

(27)

بنام خداوند یکتا

مکتوبی از شما رسید و آنچه در او مذکور بود نزد اهل بصر واضح و مبرهن است بشنو ندای مظلوم آفاق را از حق بخواه تا قادر شوی بر محو موهوم و صحو معلوم نوشته بودی که سالها دینی تحصیل نموده و بآن موقتی اگر نفسی از شما سؤال نماید که بچه حجت و بچه برهان چه خواهی گفت؟ اجعل محضرك بين یدی الرحمن ثم انطق بالانصاف انی لک ناصح امین مطالبی را که ذکر نمودی و علامت حقیقت حق قراردادی این امور نزد حق لم یزل و لا یزال مردود بوده بهتر آنکه خالصا لوجه الرحمن قدری از آیات فرقان تلاوت نمائید و در معانی آن تفکر کنید شاید در این یوم که سلطان ایام است از رحیق عرفان محروم نمانید و از کوثر وحی و الهام بی نصیب نشوید از جمله در این آیات مبارکه که از قبل بر محبوب عالم و سید امم نازل شده تفکر کنید میفرماید: و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الارض ينبوعا او تكون لک جنة من نخيل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا او تسقط السماء كما زعمت علينا کسفا او تأتي بالله و الملائكة قبلا او یكون لک بیت من زخرف او ترقی فی السماء و لن نؤمن لرقیک حتی تنزل علينا کتابا نقرئه قل سبحان ربی هل کنت الا بشرا رسولا این آیاتی است که مشرکین بخاتم انبیا روح ما سویه فداه گفته اند یعنی مضمون این آیات را شرائط ایمان قرار داده اند که اگر آن حضرت ظاهر فرماید بحق موقن شوند حال تفکر در آن نفوس غافله نمائید که عرض کرده اند باید در ارض بطحا چشمه ای جاری کنی و یا یک بیٹی از ذهب ظاهر کنی از برای ما یا اینکه باسماں صعود نمائی مقابل چشم ما و بیائی بکتایبکه او را قرانت کنیم یا بستانی ظاهر کنی که در آن نخیل و عنب باشد یا اینکه بحق جل جلاله و قبیلی از ملئکه بیائی اینها اموراتی بود که مشرکین حجاز از سید عالم خواستند که ظاهر فرماید تا موقن شوند بآنچه بیان فرموده و معانی آن مجملی ذکر شد حال ببصر حدید و قلب اطهر و انصاف کامل ملاحظه نمائید و تفکر کنید لیحصص لک الحق و یظهر لک صراط الله الذی ظهر بالحق و تجد نفسک علی یقین مبین و بعد

از این سؤالات ملاحظه کنید که حق جل جلاله در جواب چه فرموده میفرماید: بگو هل کنت الا بشرا رسولا و اگر این عرایض مقبول میشد و حقتعالی سلطانه ظاهر میفرمود آنچه را که خواسته بودند بزعم آنها دیگر در ارض احدی منکر و معرض بر حسب ظاهر مشاهده نمیشد و حال آنکه در مقام دیگر میفرماید اگر ببینند جمیع آیات را بحق مقبل نشوند و بافق اعلی توجه ننمایند حال آنجناب در آنچه خواسته اند تفکر نمایند قسم بمنزل کتب که اگر بانصاف و مقدس از اغراض نفسانیه در آنچه ذکر شد تأمل نمائید البته بحق راجع شوید و منقطعاً عن کل ما سوی الله از بیت خارج و بلبیک اللهم لبیک ناطق گردید حق منتظر آن نبوده و نیست که

هر نفسی آنچه بخواهد ظاهر فرماید علم یفعل ما یشاء بر افراخته و بکلمه مبارکه احکم ما ارید ناطق این بسی واضحست که حق جل کبریائه فاعل مختار است آنچه بگوید و بفرماید همان مصلحت عباد او بوده و خواهد بود و آنچه شما خواستید اعظم از آن ظاهر شده در کتب الهیه تفرس نمائید تا مطلع شوید بر علم و حکمت و سلطنت و قوت و قدرت و احاطه حق تعالت قدرته و تعالت عظمته و تعالت سلطنته انشاء الله باید از امثال این مطالب و اقوال که معرضین اعصار قبل بآن تکلم نموده اند مقدس و منزّه شوید و بحجت باقیه الهی و ما ظهر من عنده ناظر و متمسک باشید قد ظهر ما لا ظهر من قبل یشهد بذلک کل حجر و مدر و لکن الناس اکثرهم من الغافلین

قل سبحانک یا اله الوجود و عالم الغیب و الشهود اسئلک باسمک المخزون الموعود الذی به ماج بحر عرفانک و هاج عرف قمیصک و فتح باب لقائک علی من فی سمائک و ارضک ان تؤیدنی علی عرفان مشرق وحیک و مطلع آیاتک ای رب انا الذی منعتنی الاوهام عن افق یقینک و ظنون العباد عن بحر فضلک اسئلک بنفسک ان توفقنی علی الاقبال الیک و الاعراض عن دونک ای رب انت الکریم ذوالفضل العظیم لا تطرد هذا المسکین عن باب عطائک و لا هذا المحروم عن لجة بحر احدیتک فاغفر له بجودک و احسانک انک انت الجواد الکریم و انک انت ارحم الراحمین

بعضی از ناس از بعضی مخصوص ساحت اقدس زخارف طلب نموده و مینمایند و این بغایت از شطر عدل و انصاف بعید است از اول ظهور تا حین ابدان نفسی در این امور اظهار نرفته مقدس است ذیل امر از این انکار تا چه رسد بفعل آن بر کل لازمست که بعضی از عباد را نصیحت نمایند و من قبل الله اظهار دارند منادی احدیه از شطر الوهیه ندا میفرماید ای احبا ذیل مقدسرا بطین دنیا میالائید و بما اراد النفس و الهوی تکلم مکنید قسم بافتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدس و منزّه باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علو همت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهولاء ان یکون زادهم التوکل علی الله و لباسهم حب ربهم العلی الابهی تا کلمات آن نفوس مؤثر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده اند مع ذلک ابدان از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه ای که مدل بر آن باشد اشراق ننموده و هر نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیه ای ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بخواهیم تصرف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقبح از

این فعل نبوده و نیست که باسم حق ما بین ناس تکدی شود بر آنجناب و اصحاب حق لازم که ناس را بتنزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رانحه قمیص ابهی از احبای او استنشاق شود و لکن باید اولو الغنی بفقراء ناظر باشند چه که شأن صابریین از فقراء عند الله عظیم بوده و عمری لا یعادله شأن الا ما شاء الله طوبی لفقییر صبر و ستر و لغنی انفق و اثر انشاء الله باید فقراء همت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امریست که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عند الله محسوب و هر نفسی عامل شود البته اعانت غیبیه شامل او خواهد شد انه یغنی من یشاء بفضلہ انه علی کل شیء قدیر و همچنین در حفظ نفوس و تربیت اهل ملت و مملکت از مشرق مشیت رحمانی کلماتی مشرق که فوائد آن شامل جمیع من علی الارض خواهد شد لو یسمعون ما نزل من سماء الامر حال مصلحت نبود که ارسال شود در سماء مشیت معلق تا کی اراده الهیه تعلق گیرد و ارسال شود الامر بیده بسیار در تربیت نفوس جهد نمائید این از اهم امور بوده و خواهد بود و البهأ علیک یا من نسمع ندأک فی ذکر ربک المقندر العزیز المختار

ای علی بگو باحبای الهی که اول انسانیت انصافست و جمیع امور منوط بآن قدری تفکر در رزایا و بلائی این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سبیل محبت الهی ببلائی مبتلا تا آنکه امر الله ما بین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باو هام خود در تفریق ناس سرا او جهرا مشغول گردد او از اهل انصافست؟ لا و نفسه المهیمنة علی العالمین لعمری ینوح قلبی و یدمع عینی لامر الله و للذین یقولون ما لا یفقهون و یتوهمون فی انفسهم ما لا یشعرون الیوم لایق آنکه کل باسم اعظم متشبت شوند نیست مهرب و مفری جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلی علو مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و علت توجه بشری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریه جهاتیه یشهد کل الاکوان بانه محروم من نجات الرحمن قل ان انصفوا یا اولی الالباب من لا انصاف له لا انسانیه له حق عالم است بکل نفوس و ما عندهم حلم حق سبب تجری نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرماید و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرا مرتکبند حق را از آن غافل دانسته اند لا و نفسه العظیم الخبیر کل در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستار عیوب الضعفاء و لک الحمد یا غفار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان معلوم و ما یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و او هام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمری انهم هم الموهوم و لا یشعرون و ما یتکلمون انه هو الموهوم و لا یفقهون نسئل الله ان یوفق الکل و یعرفهم نفسه و انفسهم لعمری من فاز بعرفانه یطیر فی هوآء حبه و ینقطع عن العالمین و لا یلتفت الی من علی الارض کلها و کیف الذین یتکلمون باهوأنهم ما لا اذن الله

لهم بگو اليوم يوم اصغاست بشنوید ندای مظلوم را باسم حق ناطق باشید و بطراز ذکرش
مزین و بانوار حبش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الذی غفل عما جرى من
اصبع الارادة انه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمانست نه اختلاف و فساد بلغ ما امرت
به من لدن صادق امین انما البهَاء علیک یا ایها الذاکر باسمی و الناظر الی شطری و الناطق
بثناء ربک الجمیل